

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۹، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۷

صفحات ۲۰۷ تا ۲۳۱

بررسی تطبیقی دادگاه صالح و قانون حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای در اسناد بین‌المللی، حقوق ژاپن و ایران

علیرضا شمشیری

دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، پردیس علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی، دانشگاه آزاد اسلامی، آذربایجان شرقی، ایران.

(Email: shamshiri.f@gmail.com)

غلامرضا حاجی نوری*

استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

رضا سکوتی نسیمی

دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

(Email: R.sokuti@gmail.com)

علیرضا نوجوان

استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد ایلیچچی، دانشگاه آزاد اسلامی، آذربایجان شرقی، ایران.

(Email: Davood.nojavan@yahoo.com)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۶)

چکیده

گسترش فعالیت‌های هسته‌ای با افزایش مخاطرات هسته‌ای فرامرزی همراه بوده است. از مباحث حقوقی پیش‌رو تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم است. کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای فقط یک دادگاه را صالح دانسته‌اند که معمولاً دادگاه کشور محل وقوع حادثه و در بعضی موارد دادگاه کشور مقر تأسیسات هسته‌ای است و قانون حاکم نیز مقررات کنوانسیون یا قوانین مقر دادگاه حسب تجویز کنوانسیون است. ژاپن با وجود عضویت نداشتن در هیچ‌یک از کنوانسیون‌های یادشده، دارای قانون غنی داخلی در زمینه مسئولیت هسته‌ای است که بر اساس آن، دادگاه کشور محل وقوع حادثه هسته‌ای صلاحیت دارد و قانون حاکم نیز معمولاً قانون محل حدوث خسارت است. ایران به دلیل عدم عضویت در کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای و نداشتن قانون خاص، از قواعد عمومی مانند اقامتگاه خوانده برای تعیین دادگاه و مقررات تابعیت برای ساکنان استفاده می‌نماید که در بسیاری از موارد ناکارآمد است؛ بنابراین، تدوین قانون خاص یا حداقل، عضویت در کنوانسیون‌های مرتبط ضروری است.

واژگان کلیدی

حوادث هسته‌ای، دادگاه صالح، قانون حاکم، کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای.

مقدمه

امروزه اهمیت استفاده از انرژی هسته‌ای در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی و ... بر هیچ‌کسی پوشیده نیست، اما در کنار مزایای بسیار آن، خسارات سنگین در ابعاد جغرافیایی و زمانی و حجمی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در خصوص مبادرت به این نوع فعالیت‌هاست. حادثه‌ای که در تأسیسات هسته‌ای و یا دیگر فعالیت‌های مرتبط با آن، مانند حمل‌ونقل مواد هسته‌ای رخ می‌دهد، اغلب نه تنها فقط به کشور محل وقوع تأسیسات آسیب می‌رساند، بلکه در سایر کشورهای اطراف نیز خسارت ایجاد می‌کند. در اکثر قریب به اتفاق حوادث هسته‌ای به دلیل وجود حداقل یک عامل خارجی (زیان‌دیدگان خارجی)، دعوی جبران خسارات هسته‌ای جنبه بین‌المللی پیدا کرده، مسئله حل تعارض دادگاه‌ها و قوانین صالح مطرح می‌شود. کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای^۱ قواعدی را راجع به صلاحیت دادگاه و قانون صالح مقرر کرده‌اند. به‌طور کلی کشورهایی که دارای فعالیت‌های هسته‌ای هستند، به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف) کشورهایی که هم عضو کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای‌اند و هم در این زمینه دارای قانون داخلی هستند؛ مانند انگلیس، آلمان، سوئد و روسیه.

ب) کشورهایی که عضو هیچ‌کدام از کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای نیستند، اما قوانین و مقررات مربوط به خود را دارند؛ مانند آمریکا، کانادا، ژاپن، هند، چین و کره جنوبی. ج) کشورهایی که نه عضو کنوانسیون‌های یادشده هستند و نه مقررات داخلی در این زمینه دارند؛ مانند ایران (Abraham, 2014, p.23). کشور ایران با وجود داشتن تأسیسات هسته‌ای و استفاده از فعالیت‌های هسته‌ای در عرصه‌های گوناگون، نه تنها قانون داخلی در زمینه مسئولیت مدنی هسته‌ای ندارد و عضو هیچ‌کدام از کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای نیز نشده است، بلکه به تدوین آیین دادرسی مدنی بین‌المللی که حاکم بر تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران باشد نیز مبادرت نورزیده است؛ لذا تنها می‌توان از چند قاعده کلی در زمینه صلاحیت‌ها در حقوق بین‌الملل خصوصی که در جلد دوم باب کلیات قانون مدنی پیش‌بینی شده است، استفاده کرد.

از آنجا که دادگاه باید پیش از تعیین قانون حاکم بر دعوی نسبت به داشتن یا نداشتن صلاحیت خود اظهار نظر کرده باشد و مسئله حل تعارض دادگاه‌ها مقدم بر حل مسئله تعارض قوانین است (الماسی، ۱۳۸۲، ص ۲۲)، در این نوشتار ابتدا راجع به صلاحیت دادگاه و سپس درباره قانون صالح مطالبی بیان می‌شود و در آخر نیز با توجه به قواعد یادشده، به

۱. کنوانسیون ۱۹۶۰م پاریس و پروتکل ۲۰۰۴م اصلاحی آن در سطح منطقه اروپا، کنوانسیون ۱۹۶۳ و ۱۹۹۷م وین و کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی ۱۹۷۷م در سطح بین‌المللی.

حل مسائل مربوط به حوادث هسته‌ای که ایران به نحوی در آن دخیل است، پرداخته خواهد شد.

صلاحیت دادگاه

۱. تعیین دادگاه صالح در کنوانسیون‌های بین‌المللی

کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای در واقع یک رژیم ویژه مسئولیت هسته‌ای ایجاد کرده‌اند که در آن یک سری اصول اساسی وجود دارد؛ از جمله اصل کانالیزه کردن مسئولیت به سوی متصدی تأسیسات هسته‌ای^۱ که در بند پنجم ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۳ و ۱۹۹۷ م^۲ اصلاحی وین و بندهای دوم و نهم ماده ۳ کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی ۱۹۷۷ م^۴ به آن تصریح شده است. برابر این اصل با اینکه ممکن است اشخاص دیگری بر اساس قوانین عام مسئولیت مدنی به طور بالقوه مسئول شناخته شوند، مسئولیت به صورت قانونی به متصدی تأسیسات هسته‌ای منتقل می‌شود و متصدی خارج از چارچوب مقررات کنوانسیون مسئولیتی ندارد. این اصل یکی از اصول منحصربه‌فرد در حوزه حقوق مسئولیت هسته‌ای است که هیچ شباهتی به سایر حوزه‌های حقوقی ندارد (INLEX, 2017, p.10). بنابر اصل پیش‌گفته، تنها علیه متصدی تأسیسات هسته‌ای می‌توان اقامه دعوا کرد.

به‌طور کلی دعوی مسئولیت مدنی به‌عنوان یک دعوای مالی ممکن است تحت تأثیر یک یا چند عامل خارجی همچون تابعیت، اقامتگاه و یا محل وقوع حادثه قرار گیرد که در این صورت احتمال دارد بحث صلاحیت دو یا چند دادگاه و قانون مطرح شود.

حوادث هسته‌ای مناطق گسترده و مردم زیادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اگر همه دادگاه‌های مرتبط با حوادث هسته‌ای صالح شناخته شوند، به توزیع نادرست غرامت‌ها و غیره منجر خواهد شد (Shi, 2010, p.44). بر اساس قوانین شکلی عام ممکن است محاکم متعددی صلاحیت قضایی برای رسیدگی به ادعای خسارات ناشی از حوادث هسته‌ای را داشته باشند که در عمل این امر مشکل‌آفرین خواهد بود. لذا کنوانسیون‌های هسته‌ای برای حل مشکل، قاعده‌ای عام با عنوان «صلاحیت انحصاری (دادگاه)»^۵ را که با استثناهای معدودی همراه است، بیان کرده‌اند. قاعده یادشده اولاً صلاحیت انحصاری رسیدگی به دعوای خسارت هسته‌ای را به

1. Legal channeling of liability to operator.

2. Vienna convention on civil liability for nuclear damage, 21 may 1963.

3. 1997 Vienna convention on civil liability for nuclear damage.

4. Convention on supplementary compensation for nuclear damage.

5. Exclusive Jurisdiction

دادگاه‌های کشوری که حادثه در آن واقع شده است، اعطا می‌کند و ثانیاً هریک از دولت‌های عضو کنوانسیون‌های یادشده باید تضمین کنند که فقط یکی از محاکم آن‌ها در مورد حادثه هسته‌ای که در کشور دیگر رخ داده است، صلاحیت قضایی دارند (Stoiber et al, 2003, p.115). یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های رژیم مسئولیت هسته‌ای، تعیین یک دادگاه صالح واحد برای رسیدگی به تمام دعاوی راجع به جبران خسارت است (Van Dyke, 2010, p.3). عده‌ای بر این باورند که این تمرکز دادرسی‌ها در یک دادگاه واحد هم باعث ایجاد قطعیت قانونی^۱ می‌شود و هم از موقعیتی که در آن خواهان به دنبال قضاوت و داوری مناسب‌تری^۲ باشد، جلوگیری می‌کند. قاعده صلاحیت انحصاری، دادگاه صالح نزدیک به منبع آسیب را تعیین می‌کند؛ به این گونه که به فردی که آسیب‌دیده است اجازه طرح دعوا می‌دهد، بدون اینکه بخواهد سفرهای زیادی انجام دهد (Rimšaitė, 2013, p.17-18).

در مقابل، بعضی دیگر ایراد کرده‌اند که قاعده یادشده در واقع زیان‌دیدگان را از طرح دعوا نزد دادگاه‌های کشور خود منع کرده است و عملاً زیان‌دیدگان برای اقامه دعوا در خارج از کشور متحمل هزینه‌های زیادی می‌شوند که از عهده بسیاری از آن‌ها خارج است. بدیهی است که زیان‌دیدگان نیاز به دسترسی به دادگاهی دارند که بی‌طرف باشد، از نظر اقتصادی به صنعت هسته‌ای وابستگی نداشته باشد، و قانون و آیین دادرسی مستقل از کشور دارای تأسیسات را اجرا کند و به نظر می‌رسد اعمال این قاعده با اصل عدم تبعیض و رفتار برابر با زیان‌دیدگان به‌عنوان یکی از اصول مسئولیت هسته‌ای که بر اساس آن همه زیان‌دیدگان حق اقامه دعوا دارند، در تضاد است (CURRIE, 2008, p.96)؛ چراکه شاید حق اقامه دعوا در ظاهر به آن‌ها داده شده باشد، اما در عمل برای بسیاری از افراد امکان طرح دعوا وجود ندارد و این مقرر در عمل تبعیض‌آمیز به نظر می‌رسد.

البته اصل یادشده با این انتقاد روبرو است که کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای یک دادگاه بی‌طرف فرامرزی را که به دعاوی خسارت قربانیان رسیدگی کند، ایجاد نکرده است (KAYIKÇI, 2012, p.23).

در قطعنامه ۱۹ می ۱۹۶۳ از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درخواست شد تا یک کمیته دائمی به منظور بررسی مسائل مربوط به کنوانسیون ۱۹۶۳ م وین ایجاد کند. در طول مذاکرات در کمیته دائمی برای اصلاح کنوانسیون ۱۹۶۳ م وین، به‌خصوص در مورد حوادث بزرگ

1. Legal certainty.

۲. روش Forum Shopping شیوه‌ای است که بعضی از طرفین دعاوی خود را در دادگاهی اقامه می‌کنند که احتمالاً رأی مساعدتری صادر خواهد نمود. البته این شیوه هزینه‌بر است و ممکن است به پایان یافتن سریع منابع مالی‌ای منجر شود که متصدی می‌بایست از آن محل به زیان‌دیدگان غرامت بپردازد.

هسته‌ای، این بحث مطرح شد که رسیدگی به تعداد زیاد دعاوی مطرح شده راجع به پرداخت خسارت ناشی از حادثه هسته‌ای در دادگاه‌های ملی ممکن است بسیار سخت باشد؛ لذا پیشنهادهایی راجع به تأسیس یک دادگاه بین‌المللی یا یک هیئت حل اختلاف بین‌المللی مطرح شده که البته هیچ‌کدام با موافقت عمومی روبرو نشده است؛ بنابراین در نهایت همان صلاحیت دادگاه ملی به تصویب رسید. یکی از نوآوری‌های مصوب پروتکل ۱۹۹۷ م وین^۱، ارائه مقررات جدید راجع به صلاحیت است که مخصوصاً در مورد حوادث رخ داده هنگام حمل‌ونقل مواد هسته‌ای کاربرد دارند (INLEX, 2017, p.51).

بر اساس بند اول و دوم ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۶۳ م وین، دادگاه صالح به ترتیب زیر ممکن است دادگاه کشور محل وقوع حادثه یا کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای تعیین شود:

- چنانچه حادثه در قلمرو کشور عضو معاهده رخ دهد، دادگاه همان کشور صلاحیت دارد.
- اگر حادثه در زمان حمل‌ونقل مواد هسته‌ای از مبدأ یا به مقصد تأسیسات هسته‌ای واقع در قلمرو کشور عضو معاهده رخ دهد، صلاحیت با دادگاه همان کشور است.
- چنانچه حادثه در زمان حمل‌ونقل مواد هسته‌ای از مبدأ یا به مقصد تأسیسات هسته‌ای واقع در قلمرو کشور غیرعضو معاهده رخ دهد، بر اساس بند دوم ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۶۳ م وین، صلاحیت انحصاری با دادگاه کشوری است که تأسیسات متصدی مسئول در قلمرو آن واقع شده که البته همین دادگاه در صورت وقوع حادثه در دریاهای آزاد هم صالح است.
- اگر حادثه در قلمرو دریایی کشور عضو معاهده رخ دهد، دادگاه همان کشور صالح است (منظور مناطق دریایی بوده که تحت حاکمیت کشور ساحلی قرار گرفته است).
- چنانچه حادثه در قلمرو خاکی یا دریایی کشور غیرعضو واقع شود، دادگاه کشور محل وقوع تأسیسات صالح است.
- در خصوص حادثه ایجادشده در مورد مناطق دریایی که تحت حاکمیت هیچ کشور خاصی نیست، دادگاه کشور محل وقوع تأسیسات صلاحیت رسیدگی دارد.
- در شرایطی که محل وقوع حادثه به‌طور دقیق قابل‌شناسایی نباشد، دادگاه‌های کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای صالح شناخته می‌شود.
- پروتکل ۱۹۹۷ م عبارت‌های جدیدی را در ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۶۳ م به شرح زیر وارد کرده است: اگر حادثه در منطقه انحصاری اقتصادی^۲ کشور عضو معاهده رخ دهد

1. Protocol to amend the Vienna convention on civil liability for nuclear damage.

2. Exclusive Economic Zone =EEZ.

و یا اگر چنین منطقه‌ای تشکیل نشده باشد، اما همان حدود منطقه اقتصادی را داشته باشد، دادگاه همان کشور صالح است. درباره حدود منطقه انحصاری اقتصادی، ماده ۵۷ کنوانسیون ۱۹۸۲م حقوق دریاها مقرر کرده است که تا ۲۰۰ مایلی از خطوط دریای سرزمینی می‌تواند افزایش یابد؛ اما به هر حال، این منطقه انتخابی است و لذا شناسایی آن به عنوان منطقه انحصاری اقتصادی کاملاً به خواست و اراده کشور ساحلی است؛ لذا گاهی دلایل موجهی برای تعیین نشدن یک منطقه به عنوان منطقه انحصاری اقتصادی از سوی دولت ساحلی وجود دارد. بنابراین، تدوین کنندگان پروتکل ۱۹۹۷م احساس کردند که اگر به هر دلیلی کشور ساحلی منطقه انحصاری اقتصادی را به رسمیت نشناسد، در حق زیان دیدگانی که بر اثر حادثه هسته‌ای در ۲۰۰ مایلی کشور ساحلی ساکن هستند اجحاف می‌شود، چراکه مجبور می‌شوند به جای طرح دعوا در دادگاه کشور ساحلی، دعوای خود را در دادگاه کشور دارای تأسیسات مطرح کنند. لذا مقررهای را تصویب کردند که به موجب آن در منطقه یادشده باز هم صلاحیت با دادگاه کشور ساحلی (همان کشوری که حادثه در آن رخ داده است) باشد؛ البته این در صورتی است که کشور ساحلی پیش از وقوع حادثه به امین (ضامن)^۱ آن منطقه اخطار داده باشد. در مورد حادثه هسته‌ای رخ داده هنگام حمل و نقل دریایی در منطقه انحصاری اقتصادی نیز کشور محل حادثه صالح است، نه کشور دارای تأسیسات. اشاره به این نکته نیز ضروری است که صلاحیت مقررشده برای کشور ساحلی تنها در مورد دعوای مطرح شده راجع به مسئولیت ناشی از حوادث هسته‌ای است، نه سایر موارد؛ لذا نگرانی راجع به تجویز حق حاکمیت صلاحیت دولت ساحلی راجع به مناطق انحصاری اقتصادی فراتر از آنچه از سوی حقوق بین‌المللی دریاها مشخص شده، بی‌مورد است (INLEX, 2017, p.52-53).

ممکن است بر اثر اعمال بندهای اول و دوم ماده ۱۱ کنوانسیون وین، گاهی دادگاه‌های بیش از یک کشور عضو معاهده، صلاحیت رسیدگی به دعوای را داشته باشند. در چنین شرایطی، بند سوم ماده ۱۱ چنین مقرر می‌دارد:

- اگر قسمتی از حادثه هسته‌ای خارج از قلمرو کشورهای عضو رخ دهد و قسمتی از آن در داخل مرزهای یک کشور عضو معاهده، در این صورت دادگاه‌های کشور عضو معاهده صلاحیت رسیدگی دارند.
- در موارد دیگر، دادگاهی از کشورهای عضو معاهده صالح شناخته می‌شود که با توافق کشورهای عضو معاهده‌ای که دادگاه‌های آن‌ها صلاحیت قضایی دارند، تعیین شده باشد.

1. Depository.

بر اساس ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۹۷ م وین، در موردی هم که حادثه در منطقه‌ای رخ داده باشد که در منطقه انحصاری اقتصادی و یا مناطق معادل آن واقع شده باشد، مقررۀ این بند قابل اعمال است. در جزء دوم بند سوم ماده ۱۳ کنوانسیون پاریس، در خصوص بند دوم به جای راه حل ارائه شده در کنوانسیون وین، تصمیم‌گیری درباره یافتن دادگاه صالح را برعهده دادگاهی قرار داده است که طبق کنوانسیون «تأسیس کنترل امنیتی در زمینه انرژی هسته‌ای ۲۰ دسامبر ۱۹۵۷» تعیین می‌شود. این دادگاه، به نفع صلاحیت دادگاهی رأی می‌دهد که بیشترین قرابت را با مسئله دارد.

در خصوص تعارض صلاحیت دادگاه‌ها می‌توان به پرونده زیر اشاره کرد. بر اثر وقوع حادثه هسته‌ای سلافیلد^۱ در انگلستان (که عضو کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای و بروکسل^۲ است)، بعضی کشورهای همسایه همچون ایرلند (که عضو کنوانسیون‌های یادشده نیستند، اما عضو کنوانسیون بروکسل ۱ هستند) نیز خسارت دیدند. در پرونده «Constance Short و دیگران» علیه دادستان کل ایرلند و شرکت سوخت هسته‌ای Plc انگلستان در سال ۱۹۹۶ م^۳، خواهان‌ها که در سواحل شرقی ایرلند ساکن بودند ادعا کردند که بر اثر حادثه یادشده به سلامتی و محیط زیست آن‌ها آسیب رسیده و ممکن است در ده سال آینده به مرگ حدود ۲۰۰۰ نفر منجر شود و بر اساس فرمان ۱۱ قانون دیوان عالی کشور ایرلند (صلاحیت دادگاه ایرلند در خصوص موضوع مسئولیت مدنی رخ داده در همان کشور)، در دادگاه ایرلند طرح دعوا کردند. در زمان طرح پرونده هنوز کنوانسیون ۱۹۹۷ م وین به تصویب نرسیده بود، بنابراین، طبق کنوانسیون ۱۹۶۳ م وین، ساکنان کشورهای غیرعضو معاهده نیز حق اقامه دعوا داشتند (البته برابر کنوانسیون ۱۹۶۳ م وین، دادگاه محل وقوع حادثه، یعنی انگلستان، صالح بود اما به سبب وجود کنوانسیون بروکسل ۱ باید طبق آن عمل می‌شد). تصمیم‌گیری راجع به ادعای شرکت انگلیسی مبنی بر اینکه دادگاه صالح باید طبق کنوانسیون بروکسل تعیین شود نه قانون ایرلند، در نهایت به دیوان دادگستری اتحادیه اروپا^۴ محول شد (بر اساس مقررات کنوانسیون بروکسل ۱، خواهان افزون بر محل اقامت خوانده، در خصوص دعوی مسئولیت مدنی، هم در محل وقوع خسارت و هم در محل وقوع حادثه حق اقامه دعوا دارد) (مافی و حسینی مقدم، ۱۳۹۶،

1. Sellafield, October 10, 1957.

2. 1968 Brussels Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters.

یکی از قدیمی‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه تعیین صلاحیت دادگاه‌ها و شناسایی اجرای آرا در زمینه امور مدنی و تجاری است که از سوی کشورهای عضو شورای اروپا در ۲۷ دسامبر ۱۹۶۸ به تصویب رسید.

3. Shortt and Others v. Ireland, the Attorney General and British Nuclear Fuels Plc..1996.

4. ECJ

ص ۳۱۵^۱). قاضی دیوان با این استدلال که حادثه رخ داده در انگلیس، نتایج زیان باری در ایرلند داشته است، اما از آنجا که طرح دعوا در دادگاه ایرلند برای قربانیان ایرلندی قابل دسترس تر و ارزان تر از دادگاه انگلستان است، رأی به صلاحیت دادگاه ایرلندی دادند (Philippe and Galizzi, 1997, p.25-26).

یکی از نکاتی که در مورد صلاحیت باید به آن اشاره شود، نیاز به داشتن یک دادگاه صالح برای رسیدگی به دعواست. در کنوانسیون‌ها اصطلاح دادگاه صالح برای رسیدگی به صورت جمع آمده است: «the courts». در کنوانسیون‌های اصلاح‌نشده ۱۹۶۳ م وین و ۱۹۶۰ م پاریس راجع به این مسئله مقرره‌ای نیامده است، لذا اینکه چندین دادگاه ملی یک کشور صلاحیت رسیدگی به دعاوی خسارات هسته‌ای را بر اساس قوانین ملی آن کشور را داشته باشند، بدون اشکال به نظر می‌رسد (مثلاً کشور آلمان) که البته این وضعیت با قاعده متمرکز بودن دعاوی مطرح شده در یک دادگاه واحد در تعارض است. بنابراین، بعضی از کشورها مانند فرانسه و هلند برخلاف کنوانسیون‌های موجود، در قوانین ملی خود تنها یک دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی یادشده را تعیین کردند (CURRIE, 2008, p.96).

در حقیقت در بعضی از نظام‌های حقوقی، برداشت از دو واژه «jurisdiction» و «Competence» که هر دو به معنای صلاحیت هستند، متفاوت است. Jurisdiction به معنای این است که به طور کلی دادگاه‌های کدام کشور در مقایسه با کشور دیگر صلاحیت قضایی دارند، در حالی که Competence به این معنا است که کدام دادگاه یک کشور در مقایسه با بقیه دادگاه‌های همان کشور صالح هستند. بنابراین، واژه jurisdiction که در ماده ۱۱ کنوانسیون وین آمده است به معنای این است که دادگاه‌های کدام کشور صالح هستند و تعیین اینکه کدام دادگاه در مقایسه با دادگاه‌های کشورهای عضو صلاحیت قضایی دارد، به مقررات شکلی ملی آن کشور واگذار شده است (INLEX, 2017, p.56).

کنوانسیون‌های اصلاح‌شده ۱۹۹۷ م وین و ۲۰۰۴ م پاریس^۲ در خصوص موضوع یادشده، به صراحت مقرراتی را بیان کرده‌اند. به موجب بند چهارم ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۹۷ وین، کشوری که دادگاه‌های آن برای رسیدگی صالح تشخیص داده شده است باید اطمینان بدهد که تنها یک دادگاه، صلاحیت قضایی رسیدگی به دعاوی ناشی از یک حادثه هسته‌ای را دارد. البته درج مقرره‌ای مشابه این مقرر در کنوانسیون تکمیلی جبران خسارت و ضمیمه آن مغفول مانده است (INLEX, 2017, p.87).

بر اساس کنوانسیون ۲۰۰۴ م پاریس، پس از اینکه دادگاهی صالح شناخته شد، در مورد

۱. برای مطالعه بیشتر، نک: مافی و حسینی مقدم، ۱۳۹۶.

2. Paris convention on third party liability in the field of nuclear, 2004.

تعیین اینکه کدام دادگاه‌ها در مرحله بدوی و کدام در مرحله تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی صالح هستند، طبق مقررات شکلی مربوط به آیین دادرسی ملی دادگاه صالح رفتار می‌شود. بر اساس بند چهارم ماده ۱۳ کنوانسیون پرداخت تکمیلی خسارت ۱۹۹۷م، در صورتی که صلاحیت رسیدگی به دعاوی ناشی از حوادث هسته‌ای با دادگاه‌های چند کشور عضو معاهده باشد، این کشورها باید با توافق هم تصمیم بگیرند که دادگاه کدام کشور می‌تواند به دعوا رسیدگی کند. در صورت دست نیافتن به توافق، برابر بند دوم ماده ۱۶، تصمیم‌گیری راجع به دادگاه صالح با درخواست هریک از کشورهای عضو، به داوری و یا دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع داده می‌شود.

۲. تعیین دادگاه صالح در ژاپن

پس از حادثه ۱۱ مارس ۲۰۱۱، تأسیسات اتمی تپکو^۱ فوکوشیما دایچی ژاپن به سبب سرعت و قوتی که در کنترل اوضاع داشت، همچنان یکی از کشورهای دارای برنامه پیشرفته هسته‌ای باقی ماند. در سال ۱۹۶۱م، ژاپن دو مقرر در زمینه حوادث هسته‌ای به تصویب رساند؛ قانون پرداخت خسارت هسته‌ای^۲ و قانون قراردادهای بیمه‌ای^۳ (برای جبران خسارت) که مبنای رژیم حقوقی مسئولیت مدنی هسته‌ای ژاپن را تشکیل می‌دهند (Vásquez-Maignan, 2012, p.9).

با اینکه ژاپن عضو هیچ کدام از کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای نیست، اما یک قانون غنی ملی در این زمینه دارد که حاوی اصول کلی مسئولیت مدنی هسته‌ای مندرج در کنوانسیون‌های بین‌المللی است. از جمله حقوقی که قانون پرداخت خسارت هسته‌ای ژاپن برای زیان‌دیدگان حادثه هسته‌ای فراهم می‌آورد، می‌توان به شناسایی مسئولیت مطلق و انحصاری متصدی و نیز ایجاد مکانیزمی برای کمک به متصدیان در جهت حل و فصل مؤثر اختلافات ناشی از حوادث هسته‌ای اشاره کرد^۴. بنابراین آنچه در ایجاد یک قانون برای

1. Tokyo Electric Power Company (TEPCO).

2. Act on Compensation for Nuclear Damage 1961, amended at april 2009.

3. Indemnity Agreements Act.

۴. یکی از وظایف کمیته آشتی (Reconciliation Committee) صدور رهنمودهایی برای تعیین دامنه آسیب هسته‌ای است که البته با اینکه این رهنمودها الزام‌آور نیستند، اما قربانیان و متصدی می‌توانند پیش از تشکیل دادگاه به آن‌ها متوسل شوند و بر رأی قضات تأثیر بگذارند. در خصوص حادثه ۲۰۱۱ ژاپن، دستورالعمل‌های این کمیته به نحو مؤثری کارگشا بود، به‌گونه‌ای که در فاصله‌ای کمتر از یک سال از وقوع حادثه (از ۲۸ آوریل ۲۰۱۱ تا ۱۶ مارس ۲۰۱۲)، تکلیف تعداد زیادی از شکایات مدعیان غرامت، مشخص و حدود ۲۹۸۰۰۰ به صورت داوطلبانه از سوی تپکو پرداخت شد و از میان ۳۷۱۰۰۰ شکایت رسیده از طرف اشخاص حقیقی و حقوقی؛ تنها دو مورد به کمیته آشتی ارجاع داده شد و بقیه داوطلبانه از سوی تپکو پرداخت شد (Vásquez-Maignan, 2012, p.12).

کشورهای دارای تأسیسات هسته‌ای در خصوص مسئولیت مدنی هسته‌ای مهم به نظر می‌رسد این است که یک فرایند سریع و آسان برای پرداخت غرامت به زیان‌دیدگان فراهم شود (Vásquez-Maignan, 2012, p.11).

به طور کلی طبق قانون پرداخت خسارت ژاپن، قربانیان حوادث هسته‌ای دعوی خود علیه متصدی تأسیسات هسته‌ای را یا باید در دادگاه محلی (کشوری که حادثه در آن رخ داده است) و یا کمیته آشتی تشکیل شده برای پرداخت خسارات هسته‌ای مطرح کنند (Vásquez-Maignan, 2011, p.61).

در مورد زیان‌دیدگان اتباع کشورهای خارجی مقیم ژاپن که بر اثر فعالیت نیروگاه‌های اتمی واقع در ژاپن زیان دیده‌اند، با آن‌ها برابر قانون پرداخت غرامت و تحت شرایط یکسان همانند اتباع ژاپنی رفتار می‌شود. در خصوص خسارات هسته‌ای که در خارج از مرزهای ژاپن از حوادث هسته‌ای ژاپن ایجاد می‌شود، دادگاه صالح و قانون قابل اجرا طبق قواعد حل تعارض مشخص می‌شوند، زیرا ژاپن هیچ‌یک از کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به مسئولیت هسته‌ای را تصویب نکرده و هیچ قانون خاصی نیز در خصوص قابلیت اجرایی شدن سیستم قانون ژاپن در این شرایط به تصویب نرسیده است. بنابراین، اگر پرونده مطروحه در ژاپن در مورد خساراتی باشد که در مرزهای کشور خارجی ایجاد شده است، در صورتی که فعالیت هسته‌ای واقع در ژاپن منشأ حادثه باشد و زیان دیده خارجی در مرزهای بیرون از ژاپن آسیب دیده باشد و نزد دادگاه ژاپن طرح دعوا کرده باشد، دادگاه‌های ژاپن بر مبنای محل اقامت خواننده (متصدی) که در ژاپن است و منشأ مسئولیت که در واقع در ژاپن است، صلاحیت رسیدگی دارند (Nomura et al, 2012, p.21) اما اگر ادعای خسارت ناشی از حادثه هسته‌ای واقع در ژاپن در مرزهای کشور خارجی، نزد دادگاه کشور خارجی مطرح شود، در این باره دادگاه صالح بر اساس قانون ملی دادگاه خارجی تعیین می‌شود. اگر حکم از دادگاه خارجی صادر شود، بر اساس ماده ۲۲ قانون اجرای احکام مدنی ژاپن، ذی‌نفع موظف است اجرای حکم صادره را بر اساس ماده ۲۴ قانون یادشده راجع به اجرای حکم دادگاه خارجی در ژاپن درخواست کند و این اجرای حکم باید بدون بررسی صحت و سقم حکم دادگاه خارجی انجام شود (بند دوم ماده ۲۴ قانون اجرای احکام مدنی ژاپن). برای اینکه حکم یک دادگاه خارجی قابلیت اجرا در دادگاه‌های ژاپن را داشته باشد، باید نهایی و قطعی باشد و شرایط اصلی مندرج در ماده ۱۱۸ قانون اجرای احکام مدنی را داشته باشد که عبارت‌اند از:

- صلاحیت دادگاه خارجی به رسمیت شناخته شده باشد.
- خواننده باید احضارنامه رسمی را دریافت کرده باشد یا حتی خواننده با وجود عدم دریافت احضارنامه در دادگاه حاضر شود.

- محتوای حکم صادره و یا فرایند دادرسی دادگاه نباید مخالف نظم عمومی ژاپن باشد.
- باید یک رفتار متقابل با کشور خارجی مربوطه وجود داشته باشد (اینکه کشور خارجی هم حکم صادره از ژاپن را اجرا کند) (Nomura et al, 2012, p.22).

در سیستم مسئولیت هسته‌ای ژاپن هیچ روش خاصی برای رسیدگی به پرونده‌های مربوط به خسارات هسته‌ای معین نشده است و زیان‌دیدگان مطابق با شرایط خود می‌توانند راه‌های گوناگون همچون داوری و دادگاه را اتخاذ کنند. همچنین در خصوص صلاحیت انحصاری دادگاه خاص نیز مقرره‌ای وجود ندارد و این به آن معنی است که دادگاه‌های متعدد می‌توانند به‌طور هم‌زمان به پرونده‌های خسارات هسته‌ای رسیدگی کنند (Nomura et al, 2012, p.25).

۳. تعیین دادگاه صالح در حقوق ایران

برابر ماده ۹۷۱ قانون مدنی در خصوص صلاحیت دادگاه‌های داخلی برای رسیدگی به دعاوی بین‌المللی و آیین دادرسی قابل اجرا در این دعاوی، دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی است که در آنجا اقامه می‌شود (مافی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۴۸).

اصولاً کشورها قواعد خاصی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها با عنوان قواعد تعیین صلاحیت بین‌المللی دارند که قاضی با مراجعه به آن‌ها راجع به صلاحیت تصمیم‌گیری می‌کند که این قواعد در کشورهای مختلف بر حسب اینکه چه مبنایی را برای تعیین صلاحیت پذیرفته‌اند، متفاوت است. برای مثال در حقوق فرانسه اصولاً صلاحیت مبتنی بر تابعیت و در حقوق انگلستان صلاحیت مبتنی بر حضور در حوزه صلاحیت یا ابلاغ به شخص است (غریبه، ۱۳۷۹، ص ۱۲۱).

در حقوق ایران قواعد خاصی با عنوان قواعد تعیین صلاحیت بین‌المللی وجود ندارد، پس باید از قواعد صلاحیت در حقوق داخلی استفاده کرد. دادگاه ایرانی اصولاً برای رسیدگی به دعاوی‌ای که به آن ارجاع می‌شود، صالح است و مقتضای رعایت مصالح سیاسی و اعمال حاکمیت ملی همین است، زیرا در اغلب موارد امکان رجوع به دادگاه خارجی برای خواهان ایرانی وجود ندارد و نمی‌تواند از پس هزینه‌های آن برآید (جعفری‌تبار، ۱۳۸۹، ص ۲۱۷). قواعد صلاحیت به دو نوع ذاتی و نسبی تقسیم می‌شوند و بیشتر حقوق‌دانان قائل به نسبی بودن آن هستند (سلجوقی، ۱۳۸۶، ص ۴۷۴). در ماده ۹۷۱ قانون مدنی تنها مطلبی که راجع به صلاحیت دادگاه آمده، این است که از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات، دعاوی تابع قانون محلی است که در آنجا اقامه می‌شود. در قانون آیین دادرسی مدنی قواعد مهمی در خصوص تعیین صلاحیت پیش‌بینی شده است که قابلیت اجرا در امور

بین‌المللی را نیز دارد (صفایی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۸؛ ارفع‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۱۸۷). قوانین دیگری که در این باره باید مورد توجه قرار گیرد، ماده ۴۹ امور حسبی و قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ ش است که افزون بر اینکه احکام صادرشده در دادگاه ایرانی را دربر می‌گیرد، راجع به احکام مدنی صادره از دادگاه خارجی که بنابه تصریح ماده ۹۷۲ شرایط مندرج در مواد ۱۶۹ تا ۱۸۰ قانون اجرای احکام مدنی را داشته باشد نیز قابل اعمال است (سلجوقی، ۱۳۸۶، ص ۴۷۶). صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده، صلاحیتی اصولی و عمومی بوده که به‌طور عمده در بیشتر دعوی مطرح‌شده به‌کار گرفته می‌شود. در واقع اصولاً مطالبه هر نوع مال منقول یا حقوق ناشی از آن و یا هر نوع مالی که در حکم منقول باشد و همچنین بخشی از حقوق مربوط به اموال غیرمنقول می‌باید در دادگاه محل اقامت خوانده طرح شود؛ بنابراین هرگاه در صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده یا دادگاه واقع در محل دیگر تردید شود، باید به اصل مراجعه و دادگاه محل اقامت خوانده صالح شناخته شود (نهرینی، ۱۳۸۷، ص ۴۹). به عقیده برخی از حقوق‌دانان، اصل برائت^۱ و دلالت اماره ظاهر بر حقیقت نیز اقتضا دارد که ادعای خواهان در دادگاه محل اقامت خوانده اقامه شود (متین‌دفتری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۷۶).

مهم‌ترین قواعد تعیین صلاحیت در حقوق ایران بر اساس ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی عبارت‌اند از:

- صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده که این مورد به‌عنوان اصل و قاعده محسوب می‌شود و بقیه صلاحیت‌ها استثنا هستند.
- صلاحیت دادگاه محل سکونت خوانده در صورت نداشتن اقامتگاه در ایران.
- صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول خوانده در صورت نبود اقامتگاه یا محل سکونت موقت.
- صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان در صورت نبود موارد یادشده.

در خصوص دادگاه صالح در مورد مسئولیت قهری مقرره‌ای وجود ندارد. لذا به‌نظر می‌رسد با توجه به اینکه دعوی مسئولیت مدنی یک دعوی منقول است و از زمره استثنائاتی نیست که قانون‌گذار دادگاه محل خاصی را صالح اعلام کرده باشد، باید به اصل مراجعه کرد و مشمول قاعده صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده می‌شود. در صورتی که خوانده در ایران فاقد اقامتگاه، محل سکونت موقت یا مال غیرمنقول باشد، این حق به خواهان داده شده است که بتواند در محل اقامت خود طرح دعوی کند. از آنجا که در سطح بین‌المللی تعیین صلاحیت بر مبنای اقامتگاه خواهان مانند تعیین صلاحیت بر مبنای تابعیت، مبنایی ناستوار و نادرست تلقی

۱. ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «اصل برائت است، بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی باشد باید آن را اثبات کند، در غیر اینصورت با سوگند خوانده حکم برائت صادر خواهد شد».

می‌شود، ممکن است در اجرای حکم صادره از سوی کشور محل اقامت خواننده با اشکال روبرو شود (غریبه، ۱۳۷۹، ص ۱۲۲).

عده‌ای از حقوق‌دانان (جعفری‌تبار، ۱۳۸۹، ص ۲۱۹) همچون مقررات مندرج در کنوانسیون بروکسل ۱، دادگاه محل وقوع حادثه و یا محل بروز خسارت را صالح می‌دانند (مافی و حسینی مقدم، ۱۳۹۶، ص ۳۰۱) و معتقدند که اگر سبب دعوا (عمل تقصیر کارانه یا خسارت حاصل از آن) در ایران واقع شده باشد؛ یعنی اگر محل وقوع حادثه در ایران باشد، دادگاه ایرانی صلاحیت رسیدگی دارد. البته به نظر می‌رسد که ایراد مطرح شده راجع به صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان مبنی بر عدم اجرای حکم صادره از دادگاه ایرانی از سوی دادگاه خارجی، در این خصوص نیز وارد است؛ بنابراین بهترین گزینه در جهت صلاحیت محاکم، صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده شمرده می‌شود.

اگر حادثه هسته‌ای در ایران اتفاق بیفتد، چون قانون خاصی در خصوص مسئولیت مدنی هسته‌ای نداریم و به کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط نیز نپیوسته‌ایم، باید به قواعد عمومی رجوع کنیم. اگر حادثه ناشی از تأسیسات هسته‌ای ایران باشد، به دلیل اینکه در ایران تصدی تأسیسات هسته‌ای برعهده دولت است، هم از جهت مبنای محل اقامت خواننده و هم از جهت اینکه به گونه‌ای این نوع حادثه با نظم عمومی مرتبط است (جعفری‌تبار، ۱۳۸۹، ص ۲۱۹)، دادگاه ایران صلاحیت رسیدگی به دعوای هم اتباع خود و هم اتباع دیگر کشورها را دارد. اما اگر حادثه از تأسیسات هسته‌ای کشورهای دیگر در ایران رخ دهد، کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای که در واقع محل اقامت خواننده شمرده می‌شود، صالح است. البته خواهان طبق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی حق اقامه دعوا در ایران را دارد، اما به احتمال بسیار زیاد دادگاه کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای از اجرای آن حکم امتناع خواهد ورزید و بنابراین بهتر است زیان دیده به طریقی اقدام کند که در عمل بهترین نتیجه را داشته باشد که در واقع همان مراجعه به دادگاه محل اقامت خواننده است.

تعیین قانون حاکم

برای تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی به صورت کلی چند نظریه ارائه شده است، از جمله نظریه محل وقوع عامل زیان‌بار، محل وقوع خسارت، مقر دادگاه، قانون مناسب و نظریه تحلیل منافع. در کشورهای اروپایی بر اساس ماده ۴ آیین‌نامه رم ۲، نظریه محل وقوع خسارت با بیشترین مقبولیت روبرو شده است؛ در حالی که در امریکا نظریه قانون مناسب و نظریه تحلیل

منافع بیشتر اعمال می‌شود (طباطبائی‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵). البته برابر ماده ۱ مقررۀ رم ۲، تمامی تعهدات غیرقراردادی که موجب ایجاد ضرر و مسئولیت می‌شوند، مشمول این مقررۀ نیستند؛ از جمله اقداماتی که دولت در مقام اعمال حاکمیت انجام می‌دهد، مسائلی مانند مباحث مربوط به حقوق خانواده، تعهدات مربوط به اسناد تجاری، حقوق شرکت‌ها و اشخاص حقوقی و مسئولیت مدیران، خسارات ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای با آنکه می‌تواند سبب ورود ضرر و خسارت گردد، به دلیل مبانی خاص خود از زمرۀ تعهدات غیرقراردادی خارج‌اند (Zhang, 2009, p.864). پس خسارت ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای به اعمال دولت و یا معاهدات خاص بین‌المللی معطوف می‌شود و دارای ماهیت و مبانی متفاوت با موضوعات ضمان قهری است.

۱. تعیین قانون صالح در کنوانسیون‌های بین‌المللی

از آنجایی که صلاحیت دادگاه یک کشور الزاماً به صلاحیت قانون آن کشور نمی‌انجامد، (الماسی، ۱۳۸۲، ص ۲۲)، تعیین قانون حاکم نیز نیاز به بررسی دارد. در کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای به صراحت مقرراتی در خصوص تعیین قانون صالح آمده است.

نظر مشهور در خصوص قانون صالح در دعوی مسئولیت مدنی که از سوی بسیاری از کشورها هم پذیرفته شده، معمولاً قانون محل وقوع حادثه است (جعفری‌تبار، ۱۳۸۹، ص ۲۲۵)؛ لیکن اجرای قانون محل حادثه به خصوص در حوزه حمل‌ونقل بین‌المللی مواد هسته‌ای به دو دلیل امکان‌پذیر نیست: نخست اینکه به دلایل خطر طبیعی و ذاتی حمل‌ونقل مواد هسته‌ای، این موضوع واضح است که ممکن است حادثه در کشورهای دورتر از کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای اتفاق بیفتد. دوم اینکه محل وقوع حادثه اغلب و به احتمال زیاد، کشور محل اقامت دائمی زیان‌دیده است (CURRIE, 2008, P.97).

بر اساس کنوانسیون وین، دادگاه صالح در وهله اول ملزم به اعمال مقررات کنوانسیون است که به صورت خودبه‌خود الزام‌آور^۱ هستند و نیاز به تصویب در نظام حقوقی داخلی ندارند و عضویت در کنوانسیون، خود به معنای پذیرفتن اجرای این مقررات است و یا ملزم به اجرای بعضی از این قوانین هستند که از سوی قوه قانون‌گذاری داخلی به‌عنوان قانون ملی تصویب شده است. اما کنوانسیون، تصمیم‌گیری راجع به مواردی مانند چگونگی پرداخت بعضی خسارات جبران‌شدنی و نیز قواعد حل تعارض را برعهده قانون مقرر دادگاه صالح گذاشته است (INLEX, 2017, p.49). از طرف دیگر در برخی از مسائل مانند تعیین متصدی مسئول (جزء سوم بند اول ماده ۱)، حدود مسئولیت متصدی مسئول (ماده ۵)، واحد پنداشتن تأسیسات هسته‌ای در فرض

1. SELF- EXECUTING PROVISIONS.

تعدد متصدیان مسئولی که همگی در یک سایت هسته‌ای قرار گرفته‌اند (جزء نهم بند اول ماده ۱)، قانون کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای صالح دانسته شده است و دادگاه صالح (حتی اگر دادگاه کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای نباشد) ملزم به رعایت آن قانون است.

در صورتی که کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای، خسارت هسته‌ای ایجاد شده در کشورهای غیر عضو را از پرداخت خسارت استثنا کرده باشد، طبق بند اول ماده ۱، تبعیت از این مقرر برای دادگاه صالح الزامی است و همچنین در موردی که قانون دادگاه صالح مرور زمان ده‌ساله یا سی‌ساله برای اقامه دعوا علیه متصدی مسئول مقرر کرده باشد، در خصوص اینکه آیا مسئولیت متصدی برای مدتی طولانی‌تر از مهلت یاد شده باید از طریق بیمه پوشش داده شود، بر اساس جزء دوم بند اول ماده ۶، قانون محل وقوع تأسیسات تعیین تکلیف می‌کند.

یکی دیگر از مهم‌ترین اصول کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای، اصل عدم تبعیض^۱ یا رفتار منصفانه^۲ است. کنوانسیون ۱۹۹۷ م وین در بند اول ماده ۱۳ مقرر می‌دارد که این کنوانسیون و قانون ملی‌ای که به‌عنوان قانون قابل اجرا شناخته می‌شود باید بدون هیچ‌گونه تبعیضی در خصوص تابعیت، اقامتگاه و محل سکونت اجرا شود. این اصل به‌ویژه این موضوع را تضمین می‌کند که با زیان دیده حوادث هسته‌ای در کشور دیگری به‌غیر از کشور محل حادثه، به همان شیوه برخورد می‌شود که با زیان دیده حادثه در کشور محل حادثه (Stoiber et al, 2003, p.116).

به‌موجب اصل یاد شده، نه در اصل حق اقامه دعوا علیه متصدی و نه در میزان، نحوه و اولویت پرداخت غرامت میان زیان دیدگان نباید تبعیضی وجود داشته باشد.

در ماده ۱۳ کنوانسیون وین و در بند اول ماده ۱۴ کنوانسیون پاریس، هرگونه تبعیض در اعمال این کنوانسیون رد شده است. البته این عدم تبعیض برخلاف کنوانسیون ۱۹۶۳ م وین مطلق نیست. کنوانسیون پاریس تنها به افرادی حق اقامه دعوی خسارت هسته‌ای داده است که در مرزهای جغرافیایی کشورهای عضو معاهده ساکن باشند و حتی به افرادی که در کشور غیر عضو هستند و گذرنامه کشور عضو را دارند نیز این حق داده نشده است (Herzog, 2012, p.14). بر همین اساس به‌موجب ماده ۱۵ پروتکل اصلاحی سال ۱۹۹۷ م، ماده ۱۳ کنوانسیون وین اصلاح گردید و برخی از زیان دیدگان از جبران خسارت استثنا شدند. در این کنوانسیون قواعدی راجع به قلمرو جغرافیایی وجود دارد که با تابعیت اشخاص مدعی نسبت مستقیمی ندارد و با در نظر گرفتن اصل عدم تبعیض باید اجرا شود؛ به این صورت که

• در مورد خساراتی که در داخل قلمرو جغرافیایی کشورهای عضو معاهده به وجود آمده، دعوی هر کسی حتی اتباع کشورهای بی‌طرفی که عضو معاهده نیستند، مسموع است.

1. non – discrimination principle.

2. Equal treatment.

- در صورتی که خسارات خارج از قلمرو جغرافیایی کشورهای عضو معاهده ایجاد شده باشد، دعوا حتی از سوی اتباع کشورهای عضو معاهده هم قابل طرح نیست.
- اگر کشور محل وقوع تأسیسات، خسارات به وجود آمده در کشورهای هسته‌ای غیرعضوی را که با آن‌ها رفتار متقابل ندارد از پرداخت غرامت استثنا کرده باشد، اتباع آن کشورها برای خسارات وارده به خود در آب‌های آزاد یا در داخل قلمرو یا مناطق دریایی کشورهای عضو معاهده حق اقامه دعوا خواهند داشت.
- در مورد خساراتی که در داخل قلمرو خاکی یا آبی کشورهای هسته‌ای غیرعضو به اتباع کشورهای عضو وارد شده است، طبق بند چهارم ماده ۱-۱ کنوانسیون وین^۱، آن‌ها حق اقامه دعوا ندارند؛ مگر در مورد خسارات وارده به کشتی و هواپیما یا کالاهای داخل کشتی و هواپیما.
- به جز اختیار استثنا کردن آسیب‌های به وجود آمده در کشورهای هسته‌ای غیرعضو از اعمال کنوانسیون از سوی قانون کشور محل وقوع تأسیسات، بند دوم ماده ۱۳ اختیار دیگری نیز به آن قانون داده است که به موجب آن، علی‌رغم وجود اصل عدم تبعیض، قانون یادشده می‌تواند مقرر دارد که اگر خسارات هسته‌ای ایجادشده به میزان بیشتر از ۱۵۰ میلیون اس‌دی آر^۲ برآورد شده و در داخل منطقه خاکی یا منطقه دریایی کشور

۱. بر اساس پروتکل اصلاحی کنوانسیون وین مصوب ۱۹۹۷م، ماده ۱-۱ و مواد دیگر به کنوانسیون مسئولیت اشخاص ثالث در زمینه انرژی هسته‌ای مصوب ۱۹۶۰م افزوده شده است.

۲. SDRs: به دلیل عدم کفایت دو منبع اساسی یعنی طلا و دلار آمریکا، برای حمایت از توسعه تجارت جهانی و توسعه اقتصادی، ذخیره دارایی بین‌المللی در سال ۱۹۶۹م از سوی صندوق بین‌المللی پول (IMF) به منظور تکمیل ذخایر رسمی کشورهای عضو ایجاد شد. SDRS علامت اختصاری Special Drawing Rights یعنی حق برداشت ویژه است که یک واحد حسابداری در IMF به‌شمار می‌آید. سهم مشارکت اعضا در تأمین سرمایه صندوق و همچنین وام‌هایی که به اعضا می‌دهند، بر اساس این واحد محاسبه می‌شود. ارزش اس‌دی آر در ابتدا فقط بر اساس دلار آمریکا بود؛ مثلاً ارزش اس‌دی آر معادل ۰.۸۸۸۶۷۱ گرم طلا که آن موقع معادل ۱ دلار آمریکا بود، تعیین شده بود؛ اما امروزه مبتنی بر سبدی از ۴ پول رایج بین‌المللی یورو، ین ژاپن، پوند استرلینگ و دلار آمریکا است که قابل تبدیل به پول‌های رایج دیگر هم است. البته قرار است رمینی چین نیز به‌عنوان پنجمین پول مؤثر از اول اکتبر ۲۰۱۶ به آن سبد اضافه شود. در مارس ۲۰۱۶، ۲۰۴.۱ میلیارد اس‌دی آر ایجاد و به اعضا اختصاص داده شد (معادل ۲۸۵ میلیارد دلار). ارزش اس‌دی آر به دلار آمریکا به‌روز شده و در وبسایت IMF در دسترس قرار می‌گیرد. مجموع مقدار خاصی از ۴ ارز یادشده نیز به ارزش روز دلار آمریکا محاسبه می‌شود. ترکیب ارزهای موجود در سبد هر پنج سال از سوی هیئت اجرایی بررسی می‌شود تا از نقش بارز این ارزها در مبادلات مالی و تجارت جهانی اطمینان حاصل شود. اعضای IMF اغلب نیاز به خرید اس‌دی آر برای انجام تعهداتشان در مقابل IMF هستند و یا به‌منظور تعدیل ترکیب ذخایر خود، مایل به فروش اس‌دی آر می‌باشند (www.imf.org).

دارای تأسیسات هسته‌ای رخ داده باشد و دو دولت با هم تقابل منافع نداشته باشند، در این صورت از اعمال مقررات این کنوانسیون مستثنا می‌شوند. بر اساس این کنوانسیون، دولت محل وقوع تأسیسات هسته‌ای می‌تواند مسئولیت متصدی را به میزانی بیشتر از ۱۵۰ میلیون اس‌دی آر و تا حداکثر ۳۰۰ میلیون اس‌دی آر تعیین نماید که در این صورت در مورد میزان بیشتر از ۱۵۰ میلیون اس‌دی آر می‌تواند از اختیار تجویز شده در ماده ۱۳ استفاده کند (INLEX, 2017, p.49-50).

۲. تعیین قانون صالح در حقوق ژاپن

اگر در خصوص دعوی جبران خسارتی که فعالیت هسته‌ای واقع در ژاپن منشأ حادثه باشد و دادگاه این کشور بر مبنای محل اقامت خوانده (متصدی مقیم ژاپن) صلاحیت رسیدگی پیدا کند، قانون صالح لزوماً قانون ژاپن نخواهد بود که البته این موضوع که قانون مقرر دادگاه و قانون درون‌مرزی همواره بر هم منطبق نباشند، در حقوق بین‌الملل خصوصی امری معمول است (نصیری، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵).

ماده ۱۷ قانون ژاپن در خصوص قواعد عمومی قانون صالح^۱ بیان می‌دارد که اصولاً تشکیل، اداره و تأثیر ادعای ناشی از مسئولیت مدنی، با قانون محلی است که نتیجه عمل زیان‌بار در آنجا واقع می‌شود. درحالی که یک استثنا وجود دارد «زمانی که وقوع نتیجه در محل یادشده به‌طور معمول غیرقابل پیش‌بینی باشد، قانون محل ارتکاب عمل زیان‌بار، صالح است». بنابراین، اگر ایجاد خسارت هسته‌ای در خارج از ژاپن به‌طور معمول از سوی تأسیسات هسته‌ای واقع در ژاپن غیرممکن باشد، قانون پرداخت خسارت ژاپن به‌عنوان قانون حاکم اعمال می‌شود (Nomura et al, 2012, p.22). همچنین اگر ادعای خسارت ناشی از حادثه هسته‌ای واقع در ژاپن در مرزهای کشور خارجی نزد دادگاه کشور خارجی مطرح شود، در این مورد قانون صالح بر اساس قانون ملی دادگاه خارجی تعیین می‌شود (Nomura et al, 2012, p.22).

۳. تعیین قانون صالح در حقوق ایران

در خصوص دعوی مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای در ایران، باید به قواعد کلی حل تعارض مراجعه کرد، زیرا نه‌تنها ایران عضو کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی هسته‌ای نشده است، قانون هسته‌ای مصوبی نیز ندارد. شایان ذکر است در باب مسئولیت مدنی و تعهدات غیرقراردادی مسائل تعارض بسیار مبهم است، چنان‌که در حقوق ایران قاعده‌ای درباره

1. Japanese Act on General Rules for Application of Laws.

حل تعارض در مسئولیت غیرقراردادی نمی‌توان یافت. در این بخش، نخست به بررسی قواعد حل تعارض مندرج در مواد ۵ و ۹۶۸ قانون مدنی و سپس معاهدات منعقدشده میان ایران و دیگر دولت‌ها که متضمن قاعده حاکم بر دعاوی غیرقراردادی است، می‌پردازیم.

۳. ۱. بررسی قاعده حل تعارض در حقوق مدنی

ماده ۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «کلیه سکنه ایران اعم از اتباع خارجه و داخله مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد». برخی از حقوق‌دانان از این ماده با عنوان اصل سرزمینی بودن قوانین یاد می‌کنند و معتقدند در تمام دعاوی مطرح‌شده در دادگاه‌های ایران، قانون ایران صالح است و هر جا تردید در اجرای قانون ایران و خارج باشد، در مقام حل تعارض قوانین، قانون ایران در خصوص ساکنان آن اجرا خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۲۸). بنابراین هرگاه بر اثر فعل زیان‌باری در قلمرو ایران به حقوق اشخاص (چه اتباع ایرانی چه غیرایرانی) آسیبی وارد شود و موجب ضرر مادی یا معنوی گردد و دعوا در ایران مطرح شود، قانون ماهوی ایران صالح است. ولی اگر دعوا در دادگاه خارجی اقامه شود، آن دادگاه بر اساس قواعد حل تعارض دولت خود، قانون صالح را مشخص می‌کند (دوست‌محمدی، ۱۳۹۵، ص ۹). پس هرگاه قاعده حل تعارض آن کشور نیز در این فرض، دعوا را از نظر ماهوی تابع قانون محل وقوع فعل زیان‌بار قرار داده باشد، مانند حقوق فرانسه، در آن صورت، قانون ماهوی ایران بر دعوی جبران خسارت یادشده حاکم خواهد بود، وگرنه قانون ایران و قواعد حل تعارض آن نمی‌تواند صلاحیت و حاکمیت خود را بر دادگاه کشور دیگری تحمیل کند؛ زیرا قواعد حل تعارض هر کشور چنان خاصیتی دارد که هر کشوری با توجه به شرایط و وضعیت خاص خود، آن را وضع می‌کند و به همین ترتیب، قانون ایران نمی‌تواند در خصوص فرض یادشده پیش‌بینی کند که بر آن دعوا، قانون ماهوی مسئولیت مدنی ایران صلاحیت‌دار خواهد بود؛ چراکه حاکمیت قانون ایران اصولاً محدود و محصور به قلمرو جغرافیایی ایران است (صالحی‌ذهابی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۳). در ماده ۹۶۸ قانون مدنی بیان شده است که «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند». عده‌ای از حقوق‌دانان با وحدت ملاک گرفتن از این ماده که در واقع قاعده حل تعارض در قراردادهای شمرده می‌شود، تعهدات خارج از قرارداد را نیز تابع قانون محل منشأ تعهد می‌دانند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۹۵، ص ۴۹۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۵۸۴). برخی از حقوق‌دانان با قیاس مسئولیت مدنی با مسئولیت جزایی^۱ آن را تابع قانون

۱. موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش چنین اشعار می‌دارد: ماده ۳: «قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند

محل وقوع حادثه دانسته و مدعی شده‌اند که این عقیده مورد قبول بیشتر کشورهاست (جعفری تبار، ۱۳۸۹، ص ۲۲۵)؛ اما در مقابل، بعضی معتقدند که قانون اقامتگاه خواننده از این جهت که باعث تقارن صلاحیت قانون‌گذاری و صلاحیت قضایی است صحیح‌تر است، زیرا همان‌طور که بیان شد، دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی به دعوی دین (منقول)، دادگاه اقامتگاه خواننده است (الماسی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۵). بنابراین با توجه به آنچه از ماده ۵ قانون مدنی و با وحدت ملاک از ماده ۹۶۸ همان قانون که در خصوص مسئولیت قراردادی بیان شد، به‌نظر می‌رسد که در خصوص قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در تعارض قوانین، حقوق ایران اصولاً از قاعده حل تعارض قانون محل وقوع فعل زیان‌بار پیروی می‌کند. اما با توجه به اینکه حکومت مطلق قانون محل وقوع فعل زیان‌بار بر دعوی مسئولیت مدنی ممکن است در برخی موارد به نتایج نامناسبی منجر شود، بهتر است که در کنار قاعده گفته‌شده، در برخی موارد خاص و استثنایی، حاکمیت قانونی را بر دعوی مسئولیت مدنی بپذیریم که طبق تشخیص دادگاه بیشترین ارتباط و تناسب را با واقعه زیان‌بار و طرفین دعوی مسئولیت مدنی دارد که عمده‌ترین این ملاک‌ها عبارت‌اند از: محل وقوع خسارت، محل وقوع فعل یا ترک فعل سبب خسارت، اقامتگاه، تابعیت، محل و مرکز فعالیت تجاری اصحاب دعوا و... (صالحی ذهابی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۶-۱۲۵).

در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از حوادث هسته‌ای که منشأ آن تأسیسات هسته‌ای واقع در ایران باشد، از آنجا که هم محل وقوع فعل زیان‌بار و هم محل اقامت متصدی تأسیسات هسته‌ای (دولت ایران)، کشور ایران است، چه ملاک قانون محل وقوع فعل زیان‌بار اعمال شود و چه دادگاه محل اقامت خواننده، قانون ایران صالح است.

۳.۲. بررسی معاهدات منعقدشده میان ایران و دیگر دولت‌ها

برابر ماده ۹ قانون مدنی، مقررات عهدنامه‌هایی که میان ایران و دیگر دولت‌ها منعقد شده و به تصویب مجلس رسیده، در حکم قانون است. با وجود سکوت قانون مدنی در خصوص قانون حاکم بر مسئولیت مدنی و تعهدات غیرقراردادی، یکسری موافقت‌نامه‌های دوجانبه همکاری قضایی بین ایران و دولت‌های روسیه، آذربایجان، قرقیزستان و قزاقستان به‌صورت جداگانه امضا شده و به تصویب رسیده که در آن‌ها «مسئولیت جبران خسارت» تابع قانون محل وقوع حادثه دانسته شده است^۱ (دوست‌محمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۰).

اعمال می‌شود مگر آن که به‌موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد؛ و ماده ۴: «هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود، در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است».

۱. بند اول ماده ۳۴ «قانون موافقت‌نامه میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزایی» مصوب ۱۸ مهر ۱۳۷۸؛ بند اول ماده ۳۰ «قانون موافقت‌نامه معاضدت

فرض‌های مختلف حل تعارض دادگاه‌ها در صورت وقوع حادثه در ایران

۱. اگر منشأ حادثه تأسیسات هسته‌ای واقع در کشور عضو معاهده باشد و به کشور دیگر عضو معاهده و کشور هسته‌ای غیرعضو (مانند ایران) و کشور غیرهسته‌ای غیرعضو خسارت وارد آید.

۱.۱. برابر بند اول ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۶۳ م وین، دادگاه کشور عضو معاهده که حادثه در آن رخ داده است، صلاحیت قضایی دارد. اگر چند کشور عضو معاهده خسارت دیده باشند، بر اساس بند سوم ماده ۱۱، دادگاه صالح با توافق میان این کشورها انتخاب می‌شود.

۱.۲. اتباع کشورهای عضو معاهده و حتی اتباع کشورهای غیرعضوی که در قلمرو کشور عضو معاهده خسارت دیده‌اند، طبق ماده ۱۳ کنوانسیون ۱۹۹۷ م وین، امکان طرح دعوا دارند؛ یعنی اگر یک ایرانی در یک کشور عضو معاهده آسیب ببیند می‌تواند اقامه دعوا کند.

۱.۳. اگر کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای در قانون ملی خود، اعمال مقررات کنوانسیون راجع به کشورهای غیرعضو هسته‌ای را که با آن‌ها رفتار متقابل ندارد استثنا کرده باشد، اتباع کشورهای هسته‌ای غیرعضو و حتی اتباع کشورهای عضو معاهده‌ای که در قلمرو کشور هسته‌ای غیرعضو آسیب دیده باشند، مطابق بند دوم و سوم ماده ۱-۱ کنوانسیون وین، حق طرح دعوا ندارند؛ به این معنا که اگر حادثه هسته‌ای موجب ایجاد خسارت در داخل ایران شود (که کشور هسته‌ای غیرعضو کنوانسیون است)، نه تنها ایرانیان بلکه حتی اتباع کشورهای عضو معاهده‌ای که در ایران آسیب دیده‌اند، حق اقامه دعوا ندارند. بنابراین عضویت ایران در کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای، مانع از ایجاد محدودیت احقاق حق زیان‌دیدگان مستقر در ایران (اعم از اتباع داخلی و خارجی) خواهد شد که از مزیت‌های اساسی الحاق به کنوانسیون‌های یادشده شمرده می‌شود.

۱.۴. اگر کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای در قانون ملی خود استثنای پیش‌گفته را ذکر نکرده باشد، خسارات ایجادشده در قلمرو کشور هسته‌ای غیرعضو باید طبق مقررات کنوانسیون پرداخت شود.

۱.۵. اتباع کشورهای غیرهسته‌ای غیرعضو طبق اصل کلی جبران همه خسارات یادشده در

قضایی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان» مصوب ۱۸ مهر ۱۳۷۸؛ ماده ۲۴ «قانون موافقت‌نامه معاضدت و روابط قضایی در موضوعات مدنی و جزایی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان» مصوب ۲۶ مهر ۱۳۸۴؛ بند اول ماده ۲۶ «قانون موافقت‌نامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و جزایی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان» مصوب ۲۴ دی ۱۳۸۵.

بند اول ماده ۱-۱ کنوانسیون وین، در هر صورتی امکان طرح دعوای خسارت را در دادگاه کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای^۱ خواهند داشت.

۲. چنانچه منشأ حادثه تأسیسات کشور هسته‌ای غیرعضو معاهده باشد و کشور عضو معاهده دیگر، کشور ایران و کشور غیرهسته‌ای غیرعضو دیگر نیز خسارت ببینند.

۱. ۲. در مورد اتباع کشورهای عضو معاهده، بر اساس بند دوم ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۹۷م وین، دادگاه کشور مقر تأسیسات هسته‌ای متصدی مسئول، صلاحیت قضایی دارد و لذا به این دادگاه مراجعه می‌کنند. البته ممکن است برابر قواعد حل تعارض آن کشور، دادگاه دیگری به‌عنوان دادگاه صالح تعیین شود.

۲. ۲. از آنجا که کشور محل وقوع تأسیسات عضو کنوانسیون نیست، قانون صالح باید بر اساس قواعد حل تعارض دادگاه آن کشور تعیین شود.

۲. ۳. از آنجا که حمایت از کشورهای عضو معاهده یکی از اهداف کنوانسیون وین است، اصولاً اتباع کشور عضو حق اقامه دعوا در دادگاه صالح را دارند.

۲. ۴. در خصوص کشورهای غیرعضو مانند ایران، اگر موافقت‌نامه‌های همکاری قضایی میان آن‌ها وجود داشته باشد که بر پایه توافقات در خصوص دادگاه صالح و قانون صالح عمل می‌شود، وگرنه بهتر است برای اقامه دعوا به دادگاه کشور مقر تأسیسات مراجعه شود که ممکن است این کشور نیز دادگاه محل وقوع حادثه را صالح بداند که در این صورت نیز ایراد عدم لزوم اجرای حکم دادگاه ایرانی برای کشور یادشده ممکن است پیش بیاید؛ درحالی که عضویت در کنوانسیون با حمایت از زیان‌دیدگان کشورهای عضو محدودیت اجرای حکم را مرتفع می‌کند.

۲. ۵. اگر قانون داخلی کشور محل وقوع تأسیسات متصدی مسئول، خسارت ایجادشده در کشور غیرعضو معاهده دیگری (مانند ایران) را از پرداخت استثنای نکرده باشد، اتباع کشور غیرعضو نیز می‌توانند در دادگاه آن کشور اقامه دعوا کنند.

۳. اگر منشأ حادثه تأسیسات واقع در ایران باشد که افزون بر خسارت خود

۱. بند دوم ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۶۳م وین

کشور ایران، ممکن است کشور عضو معاهده و یا کشور غیر عضو نیز خسارت ببیند.

۱.۳. برابر بند دوم ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۹۷ م وین، دادگاه صالح برای مراجعه اتباع کشورهای عضو معاهده، دادگاه کشور مقرر تأسیسات هسته‌ای، یعنی ایران، است.

۲.۳. در حقوق ایران برابر قواعد کلی (ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی)، دادگاه محل اقامت خوانده که همان ایران است، صلاحیت قضایی دارد.

۳.۳. اتباع کشورهای غیر عضو معاهده می‌توانند در دادگاه ایران اقامه دعوا کنند.

۴.۳. اگر موافقت‌نامه همکاری قضایی میان ایران و کشور دیگری وجود داشته باشد، دادگاه و قانون صالح بر پایه آن تعیین می‌شود، وگرنه قانون مقر دادگاه، یعنی قانون ایران، صالح است. بنابراین، ایران باید به همه آسیب‌دیدگان خسارت بپردازد و از طرفی چون نه قانون خاص داخلی دارد و نه به عضویت کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای در آمده است، از اصل محدودیت مسئولیت موجود در کنوانسیون نمی‌تواند استفاده کند و مجبور به جبران همه خسارات و بدون اعمال محدودیت در مدت زمانی و میزان خسارت است؛ در حالی که اگر ایران به عضویت کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای در می‌آمد، افزون بر برخورداری از محدودیت در زمان و میزان خسارت، این امکان را داشت که بتواند هم‌زمان با عضویت در کنوانسیون، در قانون ملی خود، کشورهای هسته‌ای غیر عضو را که با آن‌ها رفتار متقابل ندارد، از پرداخت خسارت استثنا کند.

نتیجه

تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم در دعاوی ناشی از حوادث هسته‌ای همانند سایر دعاوی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای تعیین تکلیف شده‌اند. بر اساس مقررات یادشده دادگاه واحدی برای رسیدگی در نظر گرفته شده است که در بعضی موارد دادگاه کشور محل حادثه و در برخی دیگر کشور محل وقوع تأسیسات هسته‌ای صلاحیت قضایی دارند و باید مقررات مندرج در کنوانسیون‌ها و یا قوانین ملی خود را اجرا کنند. در فرضی که کشور ایران که عضو معاهده‌ها نیست منشأ حادثه باشد، بر پایه قواعد عمومی حل تعارض که اصولاً دادگاه محل اقامت خوانده را صالح می‌داند، دادگاه ایران صلاحیت رسیدگی به دعاوی را دارد و قانون مقر دادگاه، یعنی قانون ایران، باید اجرا شود. از آنجا که قانون خاص در خصوص مسئولیت مدنی هسته‌ای در ایران وجود ندارد، باید برابر قواعد کلی مسئولیت مدنی به این دعاوی رسیدگی شود که بر اساس آن باید تمام خسارات جبران گردد. کشور ژاپن نیز با

اینکه عضو هیچ یک از کنوانسیون‌های مسئولیت هسته‌ای نیست، اما به سبب قوانین ملی غنی‌ای که در این زمینه دارد، با وجود وقوع حادثه عظیم هسته‌ای فوکوشیما، همچنان توانسته است قدرت خود را در زمینه هسته‌ای حفظ کند. بنابراین در حقوق کشور ایران، با توجه به مشکلاتی که در خصوص تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم در موضوع دعاوی ناشی از حوادث هسته‌ای وجود دارد، تدوین قانون داخلی با موضوع مسئولیت مدنی و یا حداقل عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی مسئولیت هسته‌ای ضرورت دارد. اگرچه ممکن است برخی چالش‌ها با عضویت در کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی هسته‌ای برای ایران پیش بیاید که عمده آن‌ها ناظر به مباحث غیرمرتبط با دادگاه‌های صالح و قانون حاکم از جمله مفاهیم و اقسام خسارت قابل جبران و اصل جبران کامل خسارات است، ولی همان‌گونه که گذشت، در مباحث مربوط به صلاحیت قضایی و قانون حاکم، پیوستن به کنوانسیون به صلاح ایران است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۹۵)، حقوق بین‌الملل خصوصی: تابعیت، اقامتگاه، وضع بیگانگان، تهران: بهتاب.
۲. الماسی، نجادعلی (۱۳۸۲)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چ ۱، تهران: میزان.
۳. جعفری تبار، حسن (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی کالاها، چ ۱، تهران: نشر دادگستر.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۵)، مجموعه محشای قانون مدنی (علمی، تطبیقی و تاریخی)، چ ۵، تهران: گنج دانش.
۵. دوست‌محمدی، بتول (۱۳۹۵)، «تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در مقررات متحدالشکل رم دو و قانون ایران»، سومین کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی در آغاز هزاره سوم، شیراز، با همکاری مشترک دانشگاه علمی کاربردی آذین شوشتر، دانشگاه زرکان، واحد پژوهش دانش‌پژوهان همایش آفرین، قابل دسترسی در: https://www.civilica.com/Paper-MEAHBTM03-MEAHBTM03_043.html
۶. سلجوقی، محمود (۱۳۸۶)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چ ۲، چ ۴، تهران: میزان.
۷. صالحی ذهابی، جمال (۱۳۸۱)، «مسئولیت مدنی و قانون حاکم بر آن در تعارض قوانین»، پژوهشنامه بیمه، ش ۶۷، ص ۱۳۰-۱۰۱.
۸. صفایی، سید حسین (۱۳۹۴)، مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی، چ ۳، تهران: میزان.
۹. طباطبائی‌نژاد، سید محمد (۱۳۹۲)، «چالش تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی ناشی از نقض قواعد حقوق رقابت با نگاهی به نظام اتحادیه اروپا»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق

- قضایی، ش ۶۲، ص ۸۹-۱۱۲.
۱۰. غریبه، علی (۱۳۷۹)، «دادگاه صالح و قانون حاکم بر مسئولیت بین‌المللی»، کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی و اردبیل. مجموعه مقالات حقوقی. مجموعه نخست. چ ۱، ص ۱۱۹-۱۳۲.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چ ۷، تهران: نشر دادگستر.
۱۲. مافی، همایون و ادبی فیروزجایی، رشید (۱۳۹۳)، «صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی»، دانش حقوق مدنی، ش ۶، ص ۴۸-۶۳.
۱۳. مافی، همایون و حسینی مقدم، حسن (۱۳۹۶)، «دادگاه صالح در حل و فصل اختلافات ناشی از تعهدات غیرقراردادی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۸، ش ۱، ص ۲۹۷-۳۲۲.
۱۴. متین دفتری، احمد (۱۳۷۸)، آئین دادرسی مدنی، ج ۱، چ ۱، تهران: انتشارات مجد.
۱۵. نصیری، محمد (۱۳۸۹)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ بیست و یکم، تهران: نشر آگاه.
۱۶. نهرینی، فریدون (۱۳۸۷) «مسئولیت مدنی قراردادی و قهری از حیث صلاحیت دادگاه»، قضاوت، ش ۵۰، ص ۴۸-۵۱.

(ب) خارجی

17. Abraham, Mohit (2014), "Nuclear Liability: A Key Component of the Public Policy Decision to Deploy Nuclear Energy in Southeast Asia", American Academy of Arts and Sciences, available at <http://www.amacad.org/gnf>.
18. Currie, duncan e.J. (2008), "The problems and gaps in the nuclear liability conventions and an analysis of how an actual claim would be brought under the current existing treaty regime in the event of a nuclear accident". Available at www.law.du.edu.
19. Herzog, Pascal (2012), "Civil nuclear liability mechanisms to allocate the costs of a civil nuclear incident", Master thesis at the university of ST. GALLEN.
20. IAEA International Expert Group on Nuclear Liability (INLEX) (2017) The 1997 Vienna convention on civil liability for nuclear damage and the 1997 convention on supplementary compensation for nuclear damage explanatory texts. Available at www-pub.iaea.org.
21. KAYIKÇI, Mehmet Suat (2012) "The International Civil Liability Regime for Nuclear Energy: How Would It Respond to a Chernobyl Disaster of 2011?", Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2102175>.
22. Rimšaitė, Laura (2013) "Civil liability for nuclear damage: comparative analysis of international treaties", Social transformations in contemporary society, Lithuania: Mykolas romeris university.
23. Sands, Philippe and Galizzi, Paolo (1999) "The 1968 Brussels Convention and Liability for Nuclear Damage", Nuclear Law Bulletin, No.64, Available at <https://www.oecd-nea.org> › Nuclear law › Nuclear Law Bulletin.

24. Stoiber, Carlton and [et al...] (2003) Handbook on nuclear law, IAEA international atomic energy agency.
25. Shi ,Shuai (2010) "Study of Compensation for Nuclear Pollution Damage: A Reflection of the Development of China's Nuclear Power and Related Research", International institute of social studies, Available at <https://thesis.eur.nl> .
26. Van Dyke, Jon M. (2010) "The inadequate liability and compensation regime for damage caused by nuclear activities", Williams Richardson school of law, Available at www.gu.se/digitalAssets.
27. Vásquez-Maignan, Ximena (2011) "Fukushima: liability and compensation" NUCLEAR LAW BULLETIN No. 88, OECD.
28. Vásquez-Maignan, Ximena(2012) "The Japanese nuclear liability regime in the context of the international nuclear liability principles, Japan's Compensation System for Nuclear Damage As Related to the TEPCO Fukushima Daiichi Nuclear Accident", NUCLEAR ENERGY AGENCY ORGANISATION FOR ECONOMIC CO-OPERATION AND DEVELOPMENT, OECD , Available at www.oecd-nea.org/law/fukushima.
29. Nomura, Toyohiro & Hokugo, Taro & Takenaka, Chihiro (2012), "Japan's nuclear liability system, , Japan's Compensation System for Nuclear Damage As Related to the TEPCO Fukushima Daiichi Nuclear Accident", NUCLEAR ENERGY AGENCY ORGANISATION FOR ECONOMIC CO-OPERATION AND DEVELOPMENT, OECD , Available at www.oecd-nea.org/law/fukushima.
30. Zhang, Mo (2009), "Party Autonomy in Non-contractual Obligation: Rome II and its Impacts on Choice of Law", available at, <http://heinonline.org>.